



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۱۹/۰۷/۲۵

میر عبدالواحد سادات

تروریسم دولتی و شکست اخلاقی امریکا

دهن گشوده بخاری به رسم بی ادبان
سخن به جایی رسیده که "بوت" میخوهد

اظهارات آقای ترامپ:

"نمیخواهم ده ملیون را بکشم و افغانستان ممکن است از صفحه روزگار محو گردد"
مصدق حال این "زنگی مست" کلام حضرت مولانا است که:

تیغ دادن در کف زنگی مست
به که آید علم ناکس را به دست

بی نیاز از اثبات است که:

افغانستان بمثابه یکی از کهن ترین کشور های جهان ، هزار ها سال قبل از ایجاد ایالات متحده امریکا در تاریخ طولانی آریانا ، خراسان و افغانستان امپراتوران و کشورگشایان زیاد بخت شانرا درین سرزمین آزموده اند :

سکندر است نه تنها که زور ما دیده
هزار آئینه را این غبار پوشیده

و از همین خاطر باید این " زنگی مست " آگاه گردد که افغانستان را:

"گورستان امپراتوری ها" لقب داده اند .
شاید یکی از بوالعجبی های تاریخ این باشد که سقوط امپراتوری امریکا در افغانستان و بدست همین " زنگی مست " رقم بخورد .
این اظهارات لجام گسیخته و تهدید تلویحی به " نابودی گروهی " عبارت از همان (جینوساید) است که مبین " تروریسم دولتی " امپراتوری شرارت پیشه امریکا است و از نقش استعماری و اشغالگرانه شان حکایه مینماید .
عریان تر ازین نمیتوانست بیان گردد که پیام صاف و ساده ان :
پا گذاشتن به منشور سازمان ملل متحد ، معیار های قبول شده حقوق بین المللی و عرف و نزاکت های دیپلماتیک جهان میباشد ، که از :
سردمدار قصر سپید همچون " اژدهای شریر " (لویاتان که ذکر ان در تورات رفته است و هاپس انرا بحیث نام کتاب خود انتخاب نموده است) ، " جهان هاپسی - هاپز) را رقم میزند :

- حق داشتن به همه چیز
- هیچ چیز غیر عادلانه و غیر اخلاقی نیست
- فقدان مفاهیم خطا ، عدالت و انصاف
- که همان :

قانون بی " قانون " و قانون برتر از " قانون " است . و از زمانی حکایه مینماید که :
" قانون " به مصاف عدالت و انصاف میرود .
و حالتی مستولی میگردد که :

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

" ماهی های کلان ، ماهی های خورد را بخورید "

که معنی دقیق آن :

گذار به " قانون جنگل " و برگشت به بدویت میباشد .
آگاهان بخوبی میدانند که " زنگی مست " این هوا و فضا را درست (۳۷۱) سال بعد از قرارداد وستفالی (بحیث
مبدأ حقوق بین المللی معاصر) و جهان (State system) و بعد از جنگ های جهانی اول و دوم و ایجاد سازمان
ملل متحد و انفاذ منشور آن سازمان و میثاقهای ناشی از آنرا رسمیت میدهد .
و در واقع شکست " اخلاقی " امپراتوری امریکا را اعلام و موقف اشغالگر آن کشور را مسجل میسازد .
این اظهارات سبکسرانه تبختر انگلوساکسونی و پوپولیسیم را بازتاب داده که " زنگی مست " سمبول آن پنداشته
میشود .

البته کسانی که با تاریخ امپراتوری امریکا آشنا میباشند بخوبی میدانند که تاریخ آن قدرت بزرگ با جنگ ، زورگویی
و قلدرمنشی تعریف میگردد و در واقع شکست آن از زمانی آغاز یافته که :

پشت به مجسمه آزادی شان و اعلامیه استقلال خود نموده اند .
متأسفانه این بار اول نمیباشد که زمامداران امریکا به ملت افغانستان و تاریخ آن توهین روا میدارند ، بیاد داریم که
اقای نکسن مردم ما را " دزد " خطاب نموده بود و خودش در افتضاح و " دزدی " واترگیت " رسوا گردید .
اظهر من الشمس است که :

تراژیدی خونبار افغانستان معلول و محصول مداخله و تجاوز خارجی است و طی این بیشتر از چهار دهه امریکا
یکطرف ایجاد فاجعه و در هجده سال اخیر کشور ما قربانی سیاست های کجدار و مریز انگشور است که :
ریشه تروریسم را در پاکستان آبیاری و شاخ و برگ آنرا به قیمت خون افغانان در وطن ما سیراب سازد .
به همین خاطر " مسوولیت اخلاقی " امریکا در قبال افغانستان و مردم ما مطرح میگردد و البته بنابر عقد قرارداد و
معاهدات فی مابین دولتهای دو کشور " مسوولیت حقوقی " انگشور نیز وضاحت دارد .

اینکه در ملاقات با کشور متخاصم که افغانستان اماج تجاوز و تداوم جنگ اعلام نا شده ان قرار دارد و با زمامدار
خصم افغانان صحبت از " محو " ما میگردد ، اشکارا از عدم صداقت و دورنگی سکانداران قصر سپید در رابطه به
حل و فصل مسایل و مصایب کشور پرده برداشته میشود .

هیچ افغان برای لشکر کشی امریکا دعوت نامه نفرستاده است و آنچه را دلایل حضور خود تبلیغ مینمودند :

- نابودی تروریسم

- قطع کشت مواد مخدر

- دولت سازی و دیموکراسی و ...

با شکست مواجه است .

به عوض دولت ، شرکت سهامی فسادسالاران را ایجاد و کلیتوکراسی را حاکم و بجای بازار آزاد ، بازار فساد
برقرار است و يك اقلیت منفور متحدان خود مشتمل بر تاجران دین ، تیکه داران " جهاد " ، دکانداران قوم و جلابان
سیاسی را بر سرنوشت مجموع ملت حاکم ساخته اند .
صادقانه باید اعتراف کرد که :

يك بخش از احوال ابتر ما محصول اعمال خود ما است:

پاشنه اشیل ما ، فقدان دولت ملی و حاکمیت قانون است و تا زمانیکه فکر کلان ملی نداشته باشیم و با عقلانیت سیاسی
به مصالح و منافع ملی اقتدا ننماییم ، نمیتوانیم از حق و حقوق خود دفاع نماییم .
اکنون که متأسفانه مقدرات تاریخی ما در دور " جدید بازیهای بزرگ " بدست این " دیوانگان تاریخ " رقم میخورد
، قبل از هر وقت باید هوشیار باشیم تا گزند " اژدهای شریب " روزگار سیاه سیطره پاکستان را در افغانستان تحمیل
نکند .

پرو قوی شو اگر راحت جهان طلبی

که در نظام طبیعت ضعیف پامال است

با حرمت